

چرخه زندگی زنانه

جوآن بوريسنکو

ترجمه

قيطاس مرادسي راد

فرهنگ نشر نو
با همکاري نشر اسيم
تهران - ۱۳۹۸

چرخه زندگی زنانه

قیطاس مردانی راد

ترجمه

A Woman's Book of Life

از

*The Biology, Psychology, and Spirituality
of the Feminine Life Cycle*

Joan Borysenko, Ph. D.

Riverhead Books, New York, 1996

فرهنگ نشرونی تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، پلاک ۱۳
طبقه سوم، تلفن: ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ اول نشرنو، ۱۳۹۸

نوبت چاپ

شمارگان ۱۱۰۰

شمارگان

طرح جلد حکمت مرادی

طرح جلد

لیتوگرافی سحر گرافیک

لیتوگرافی

چاپ غزال

چاپ

ناظر چاپ بهمن سراج

ناظر چاپ

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

بوریسنکو، جوآن

شناسه

چرخه زندگی زنانه / جوآن بوریسنکو،

عنوان و نام پدیدآور

ترجمه قیطاس مردانی راد.

مشخصات نشر

تهران: فرهنگ نشرونی، ۱۳۹۸.

چهارده + ۸۶ ص.

مشخصات ظاهری

978-600-190-12-7

شابک

بر اساس اطلاعات فیبا

فهرست نویسی

A Woman's Book of Life

عنوان اصلی

The Biology, Psychology, and Spirituality

of the Feminine Life Cycle

زنان - روانشناسی؛ انسان - علم - زندگی.

موضوع

الف. مردانی راد، قیطاس، ۱۳۲۲ - مترجم.

شناسه افزوده

ب. عنوان: چرخه زندگی زنانه.

۱۳۹۸ ج ۸ پ ۹ / HQ ۱۲۳۳

رده بندی کنگره

۳۰۵/۴

رده بندی دیویی

۵۶۱۱۴۸

شماره کتابشناسی ملی

آسیم

مرکز بخش

۸۸۷۴۰۹۹۲-۴

تلفن و دورنگار

www.nashrenow.com

فروشگاه اینترنتی

۵۸۰,۰۰۰ ریال

بها

فهرست

درباره نویسنده

یادداشت نویسنده

پیشگفتار / ۱

۱. زن شدن / ۱۵

از دنده آدم تا کروموزوم های حوا / ۶

۲. تولد تا ۷ سالگی: اوایل کودکی / ۲۱

از همدلی تا وابستگی / ۲۳

طبیعت و پرورش / ۲۴ □ زیست شناسی سال های اولیه

کودکی / ۲۶ □ اساس رابطه همدلانه / ۲۰ □ فرایند: همدلی،

ارتباط و وابستگی / ۳۳ □ مجادله جنسیت: همدلی و فروتنی /

۳۷ □ سردرگمی ارتباطی با ضعف / ۴۰ □ فراتر از رابطه عقلانی

بودن و وابستگی متقابل / ۴۴ □ معنویت ذاتی کودکی / ۴۷

۳. ۷ تا ۱۴ سالگی: میان کودکی / ۵۱

منطق دل / ۵۱

به سوی منطق عقل و دین / ۵۳ □ منطق قلبی در رشد اخلاقی / ۵۵ □

مغز، ذهن و همبستگی / ۶۳ □ بلوغ جنسی دگرگون کننده / ۷۱ □

کالبدشناسی بلوغ جنسی / ۷۵ □ PMS (نشانیگان پیش از قاعدگی) / ۷۹ □

□ حلقه مثبت بازخورد زیستی-روانی-روحی / ۷۹

۴. ۱۴ تا ۲۱ سالگی: نوجوانی / ۸۳

سفیدبرفی به خواب می‌رود اما خود آگاهی پیدا می‌کند / ۸۷

سفیدبرفی به خواب می‌رود / ۸۸ □ قدرت بودن یا قدرتِ راضی کردن / ۹۰ □ زیست‌شناسی اجتماعی تصویر بدن / ۹۱ □ زیست‌شناسی اعصاب از تصویر بدن / ۹۵ □ سیاست گرسنگی دادر به خود / ۹۷ □ یافتن هویت / ۹۸ □ از دست دادن صدای خود / ۱۰۱ □ هیدی: دختری که صدای خود را بازیافت / ۱۰۴ □ خود در برابر دیگران / ۱۰۶ □ قلب زن، مغز وابسته / ۱۰۸ □ سفیدبرفی بیدار می‌شود: استعداد نوجوانی / ۱۱۰

۵. ۲۱ تا ۳۸ سالگی: داشتن خانه‌ای از خود / ۱۱۵

زیست-وارشناسی همسریابی و مادر شدن / ۱۱۵

زیست‌شناسی همسریابی: دلباختگی و جاذبه / ۱۱۶ □ مادری: بودن یا نبودن / ۱۲۴ □ زایمان / ۱۲۴ □ زیست‌شناسی در برابر فناوری / ۱۳۴ □ زیست‌شناسی مادر شدن / ۱۳۴ □ دلباختگی و نوزاد / ۱۳۸ □ استعدادهای زیستی-روانی-روحی / ۱۴۲ □ وابستگی به همسران و فرزندان / ۱۴۲

۶. ۲۸ تا ۳۵ سالگی: گذر از سی سالگی / ۱۴۵

واقعیت‌های نو، طرح‌های نو / ۱۴۵

گذر از ۳۰ سالگی / ۱۴۷ □ زن چه می‌خواهد؟ / ۱۴۸ □ آیا مادر بودن نیاز به فرزند دارد؟ / ۱۵۲ □ نارایی / ۱۵۵ □ سازش، تعادل و ارزیابی مجدد ساختار زندگی / ۱۶۱ □ استعداد و چالش‌های اوایل بزرگسالی: داستان ریش‌آبی / ۱۶۶

۷. ۳۵ تا ۴۲ سالگی: شفا و تعادل / ۱۷۳

مس را مطلق کردن / ۱۷۳

ساختار تکاملی زندگی اوایل بزرگسالی / ۱۷۴ □ طلاق، الگوهای خانوادۀ مدرن و ساختار تکاملی زندگی اوایل میانسالی / ۱۷۶ □ شفا در رابطه / ۱۷۹ □ اذیت و آزار زنان / ۱۸۶ □ فیزیولوژی حافظه‌های

آسیب دیده / ۱۸۸ □ شغل و معنا / ۱۹۳ □ تعادل بیرونی: بررسی
اولویت‌ها / ۱۹۵ □ تعادل درونی / ۲۰۰ □ استعدادهای سال‌های
شکوفایی اوایل بزرگسالی / ۲۰۳

۸. ۴۲ تا ۴۹ سالگی: دگردیسی میانسالی / ۲۰۵

اقتدار، قدرت و پیدایش نگهبان / ۲۰۵

گذر از میانسالی / ۲۰۹ □ دگردیسی فیزیولوژیکی میانسالی / ۲۱۲ □
پیدایش مردانگی درونی / ۲۱۷ □ سیم‌کشی مجدد برای شهود؟ /
۲۲۰ □ تولد نگهبان / ۲۲۲ □ فرصت میانسالی: انرژی و تخلیه / ۲۲۷ □
مهرت‌های گذر از میانسالی / ۲۳۰ □

۹. ۴۹ تا ۵۶ سالگی: از گیاهان دارویی تا هورمون‌درمانی / ۲۳۳

روش رسیدن به خوراک پخته به یائسگی / ۲۳۳

افزایش رهن‌ها و درمان تکمیلی / ۲۳۴ □ توجه به یائسگی / ۲۳۷ □
قالب‌بندی مجدد گریزها به صورت فرصت‌های روانی-روحی /
۲۴۱ □ سرگذشت یک مورخ نمایی / ۲۴۵ □ آیا واقعاً یائسگی نتیجه
کمبود استروژن است؟ / ۵۲ □ نقش پروژسترون در یائسگی / ۲۵۹ □
مراقبه در میانسالی / ۲۶۲ □ موهبت‌های یک یائسه مراقب / ۲۶۶ □

۱۰. ۵۶ تا ۶۳ سالگی: قلب یک زن / ۲۶۹

قدرت زنانه و اقدام اجتماعی / ۲۶۹

نشانگان آشپانه خالی: جایگزین کردن افسردگی با زودگذری / ۲۷۱ □
نوآوران فرهنگی: اشاعه پیام ارتباطی و همبستگی زنانه / ۲۷۹ □ ما
می‌توانیم فرق کنیم، گام به گام / ۲۸۴ □ راهی زنانه برای رسیدن
به قدرت و فعالیت اجتماعی / ۲۸۸ □ قلب یک زن: الگویی برای
روح در فعالیت / ۲۹۳ □ موهبت‌های نوع دوستی و خدمت / ۲۹۷ □

۱۱. ۶۳ تا ۷۰ سالگی: دختران خرد / ۲۹۹

ایجاد یک فرهنگ یکپارچه نو / ۲۹۹

الگوی ورود به سال‌های خردمندی / ۳۰۴ □ اکثریت پابه‌سن‌گذاشته
/ ۳۰۷ □ نگهبانان مشعل / ۳۰۸ □ راز و رمز پیری / ۳۱۰ □

اختلافات فرهنگی: دختران خرد یا میراث جامعه / ۳۱۳ □ غیگویی:
مطالبه مجدد خرد همبستگی زنانه / ۳۱۵ □ زیست‌شناسی غیگوییانه
خرد زنان / ۳۱۹ □ موهبت‌های سال‌های خردمندی / ۳۲۰

۱۲. ۷۰ تا ۷۷ سالگی: استعدادهای تغییر / ۳۲۳

بهبود، مرگ عزیزان، و رشد / ۳۲۳

مرگ عزیزان، غم و بهبودپذیری / ۳۲۶ □ درباره خودمان سرعت
انتقال داشته باشیم / ۳۳۳ □ کنجکاوی، کنترل و طول عمر / ۳۳۵ □
طول عمر: امکانات و مشکلات / ۳۳۶ □ مردن به روش امریکایی:
حالش پزشکان و خانواده‌ها / ۳۴۲ □ غم و فقدان و بهبودپذیری / ۳۴۸

۱۳. ۷۸ تا ۸۴ سالگی: مروری بر زندگی / ۳۵۱

زایشی، بازنگری، تعالی / ۳۵۱

نامه ما براهبها در زاینده‌گی / ۳۵۴ □ بازنگری و گذر نهایی زندگی
عزت و اسب‌گزاری / ۳۵۹ □ داستان‌ها و جست‌وجوی معنا /
۳۶۱ □ موهبت‌ها و چالش‌های سالمندی: داستانی از مرگ و تولدی
دیگر / ۳۶۵ □ کاده‌یچ کردن چرخه زندگی زنانه / ۳۶۸

پیوست / ۳۷۷

مراقبه و تمرین‌های نیایش / ۳۷۷

۱. تنفس شکم / ۳۷۸ □ ۲. شناسایی تنفس / ۳۷۹ □ ۳. تنفس پل
زدن بین زمین و آسمان / ۳۷۹ □ ۴. مراقبه در مرکز حواس مقدماتی
/ ۳۸۰ □ ۵. کش و قوس / ۳۸۱ □ ۶. مراقبه در سه قدس / ۳۸۲ □
۷. نیایش مرکزی / ۳۸۲ □ ۸. نور تخم‌مرغی شکل / ۳۸۳ □ ۹. مراقبه
مهرورزی / ۳۸۴ □ ۱۰. مراقبه توجه / ۳۸۶

پیشگفتار

این کتاب برای همه زنان است. در هر مرحله‌ای از چرخه زندگی، نتیجه مطالعات من در این کتاب حاوی اصول مقدماتی برای سازگاری با پیری یا رساله‌ای درباره چگونگی تربیت دختران در نوجوانی و یا کوششی برای اثبات این نکته نیست، که زنان دارای ویژگی‌هایی هستند که آنها را بر مردان برتری می‌بخشد. بر عارضه کوشش کرده‌ام بینشی پر بار و بحث‌انگیز از زیست‌شناسی، روانشناسی، معنویت منحصر به فرد زنان ارائه دهم. یک حلقه بازخورد زیست- روانی- روحی که استعداد های مشخصی را به جنس ما اعطا می‌کند و در طول عمر به شکوفا شدن ادامه می‌دهد. باید اذعان دارم ضمن تلاش من باید آوردن این کتاب شاید شگفت‌انگیزترین رازی که برایم گشوده شد این بود که اطلاعات ما زنان از خودمان بسیار کم است و اینکه چقدر تشنه اطلاعات هستیم. گرچه این کتاب در درجه اول برای زنان نوشته شده است، امیدوارم که برای مردان نیز به همان اندازه آموزنده باشد. زیرا ما از نظر زیست‌شناختی، چه مرد باشیم و چه زن، جنبه‌هایی از آن دیگری را نیز دارا هستیم.

می دانم که جست و جوی اختلافات زیست شناختی در رفتار گاهی مانند راه رفتن در زمینی است که خطرناک باشد. آن فوستو استرلینگ^۱ متخصص ژنتیک، در رساله خود به نام اسطوره جنسیت^۲ یادآور می شود که دست کم در زمینه تحقیقات مغزی، بین زنان و مردان تفاوت های اندکی یافت شده است. شباهت ها بسیار بیشتر از تفاوت های ماست و این حقیقتی است که در اظهار نظر زیلا لوریا^۳، روانشناس دانشگاه تافتس^۴ منعکس شده است. او در تأیید این نظریه که شباهت ها بین زنان و مردان در اکثر تحقیقات بیشتر از تفاوت ها است، گفته: «ما دو گونه نیسیم، و جنس هستیم.» و همان طور که بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران یادآور شده اند تفاوت های ادعایی در زیست شناسی، بیشتر به عنوان دست یاز برای تأیید نقش های سنتی جنسی مورد استفاده قرار گرفته اند. بنابراین در امر داشتن این نکته و با احترام زیاد به آنهایی که کوشیده اند تا نشان دهند چگونه رشد، ادراکات و رابطه اجتماعی زنان از مردان متفاوت است، بر آن شدم که این کتاب را برای زنان بنویسم و نه در مورد تفاوت های مردان و زنان. هرچند که گاهی ممکن است برای توضیح نکته ای به این تمایز اشاره کنم. چون حلقه بازخورد زیستی-روانی-روحی که زنانگی را مشخص می کند پیش از این مورد کندوکاو قرار نگرفته است، این کتاب دیدگاه کاملاً تازه ای برای تحقیقات درباره زنان ارائه می دهد که امیدوارم اشخاص دیگری در سال های آتی آن را گسترش دهند.

همه انسان ها در طول عمر خود این چرخه ها را می بینند - از نوزادی به کودکی، به نوجوانی و سپس به سوی بزرگسالی پیش می روند. گوا اینکه هر مرحله بر شالوده زیست شناختی و تجربه مرحله پیشین

1. Anne Fausto Sterling

2. *Myths of Gender*

3. Zella Luria

4. Tufts

شکل می‌گیرد، برای آنکه دگردیسی خود را تکمیل کنیم، تکامل از یک مرحله به مرحله بعدی گاهی مستلزم بی‌اعتنایی نسبت به مرحله پیشین است. در حالی که نوزاد بر کودک شدن گریه و زاری نمی‌کند، یا کودک از نزدیک شدن به نوجوانی ماتم نمی‌گیرد، زنان چنان به تصویر کشیده شده‌اند که بر بلوغ مستمرشان در مسیر بزرگسالی و میانسالی و سال‌های آنک می‌ریزند. زنان سالمند باید با بزرگواری یا با دلتنگی در کنار محو شوند. با وجود این، آن‌طور که بررسی‌ها نشان می‌دهند، حقیقت آن است که زن‌ها به جای آنکه با آغاز میانسالی پژمرده و محو شوند، به سبب توانایی‌های خود ادامه می‌دهند و عملاً شکوفا می‌شوند. برعکس، زنان بوجوان و جوان فشار روحی و ناامنی بیشتری را تجربه می‌کنند.

من از پیش از دهه‌های ۱۹۶۰ در سخنرانی‌ها و سمینارهایم شرکت کرده‌ام و پرسیده‌ام که مایل هستید جوان‌تر شوند یا نه، و فقط یک نفر داوطلب جوان‌تر شدن داشتم. معامله کرده‌ای، تجربه، روابط - دردها و شادی‌هایی که تاروپود رشد را تشکّل می‌دهند - با جوانی، دست‌کم برای برخی از ما، معامله جالبی به نظر نمی‌آید. گویا آن گروه از زنانی که من با آنها کار کرده‌ام نمونه تصادفی از زنان ام‌ریکایی نیستند، اما قطعاً این دیدگاه آنها نشانگر رشد ناگهانی در تغییر تلقی از طبیعت زنانگی است. عامل مهمی که این زنان را به هم پیوند می‌دهد، چشم‌انداز روحی ژرفی است که از اختلافات مذهبی فراتر می‌رود. از دیدگاه روحی رسالت عمده زندگی ما چیزی فراتر از کسب مال، یافتن همسر، پیدا کردن شغل، تربیت فرزندان، زیبا به نظر آمدن، تأمین سلامت روانی، یا تسلیم نشدن در برابر پیری و بیماری و مرگ است. رسالت ما شناخت چیزهای مقدس در زندگی روزانه - سپاس صمیمانه برای شگفتی‌های جهان و شبکه ظریف وابستگی بین مردم و طبیعت و اشیاء است - شناختی که معیار یک زندگی خوب و صمیمیت واقعی مبتنی بر احترام و عشق است. این معنویت ذاتی زنان شالوده تعهدی غالباً ضمنی است

برای آنکه دنیای خودمان را از اثرات تخریبی طمع و خشونت مصون نگه داریم.

با وجود اینکه زن پایه‌سن‌گذاشته از تجربه‌ای که برای او خردمندی به ارمغان آورده سپاسگزار است، اما خو گرفتن با تغییرات فیزیکی که در جسمش به وقوع پیوسته ممکن است هنوز برایش دشوار باشد. در واقع، همین تغییرات جسمی در میانسالی خود من (چهل‌ونه‌سالگی) بود که بخشی از انگیزه‌ام برای نوشتن این کتاب را فراهم آورد. من هر روز صبح در زمستان زودرس به‌شیوه‌ای یکنواخت با خودم برخورد می‌کردم. جار آینه با نهایت جدیت، پوست افتاده پشت گوش‌هایم را می‌کشیدم و به پیامدهای فیزیکی و احساسی و مالی کشیدن پوست صورتم می‌اندیشیدم. واکنشم در برابر پوست افتاده و چروک قسمت‌های پایین تنم، خودداری از نگاه کردن به آینه بود. دو ماه بود که احساس می‌کردم بدنم گری می‌گیرد تا اینکه سرانجام فهمیدم این گزگرفتن‌ها فقط وقتی می‌دهند که صبح‌ها برای کنجکاوی به مدت طولانی جلو آینه دست‌نمیزان ایستم. حتی این کشف هم دلگرم‌کننده نبود، زیرا می‌دانستم به‌طور هم‌پایستگی در راه است.

علی‌رغم اینکه هم به‌عنوان پرشکوه روانشناس آدمی تحصیل‌کرده بودم، مانند بیشتر دوستانم درباره تغییراتی که پیش رو داشتم سردرگم بودم. تنها چیزی که از آن مطمئن بودم این بود که رلبه پرتگاهی قرار گرفته‌ام و در شرف سقوطی بزرگ به‌سوی پیر شدن، مرع و از دست دادن جذابیت جنسی هستم. از سوی دیگر، من در چهل‌ونه‌سالگی احساس می‌کردم که تازه دارم رشد می‌کنم و تازه دارم این می‌شوم. سرخ‌پوستان قبیله چروکی^۱، بر این باورند که ما تا پنجاه‌ویک‌سالگی وارد بزرگسالی نمی‌شویم. من در روزهای خوش خود، این اعتقاد پرشور را داشتم که زندگی در سطحی پرحرارت‌تر و عمیق‌تر از آنچه در گذشته

1. Cherokee

امکان‌پذیر بوده آغاز می‌شود. دو صدای متفاوت برای کنترل ذهن و احساسات من با هم رقابت می‌کردند. از یک سو، خرد شهودی حاصل عمر، مرا به جشنی برای تولد مجدد یک زنانگی عمیق‌تر دعوت می‌کرد. از سوی دیگر، اعتقادات رایج دربارهٔ زنان و پیری، مرا برای وداع با هر چیزی که دربارهٔ زن بودن می‌دانستم و در ذهن می‌پروراندم آماده می‌کردند.

بدین ترتیب خود را نیازمند درک چرخهٔ جدیدی از زندگی یافتم که به پژوهش دربارهٔ ظرفیت‌های تکامل‌یافتهٔ زنان منجر شد. اعتقاداتی که ما را محارم می‌کرد و خردی که دروازهٔ امکانات بیشتر را به روی ما می‌گشاید چیست؟ چگونه چرخه‌ای از زندگی‌مان راه را برای گشودن فصل‌های بعدی آماده می‌کند؟ چگونه تغییرات فیزیولوژیکی که ما در یک چرخهٔ یک‌ماهه در دورهٔ شکل‌گیری جنین تجربه می‌کنیم و نیز تغییرات مداومی که پس از یائسگی رخ می‌دهند در خدمت تکامل ما قرار می‌گیرند؟ چرخه‌ای بزرگ‌تر و کیهانی که ما را سوار بر این دوره‌های قدرتمند کرده و در راه روی‌مان قفل می‌کند، کدام است؟ من درون‌مایهٔ چرخه‌های هفت‌ساله را در منابع متفاوتی چون آثار بونگ، تورات، عهد جدید، نمایشنامه‌های شکسپیر، خرد عامه، سنت‌های امریکاییان بومی، دانش بودایی، فلسفهٔ فیثاغورث (ریاضیدان یونانی)، و در طبیعت، در اهلهٔ ماه دریافت‌ام که هر هفت روز تغییر می‌کند و دو صدای راد، ولد و نظام هورمونی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فلسفهٔ چین باستان، آن‌گونه که در اثر کلاسیک امپراتور رد در پزشکی داخلی^۱ شرح داده شده است، یک نظام هفت‌تایی مشهور را به خدمت گرفت تا چگونگی شباهت ساختار بدن زن با طرز کار کیهان را درک کند. برای مثال، در هفت‌سالگی، دندان‌های مرحلهٔ دوم دختر درمی‌آیند و موهای او بلندتر می‌شود. در چهارده‌سالگی قاعدگی آغاز

شده و دختر به یک زن تبدیل می شود که قادر به زاییدن است. در بیست و یک سالگی، زن از لحاظ زیست شناختی به بلوغ کامل و اوج عملکرد خود می رسد. در بیست و هشت سالگی، ماهیچه ها محکم و بدن شکوفا و سر حال می شود. در سی و پنج سالگی، چرخه تحلیل رفتن آغاز می شود. چین و چروک در چهره ظاهر می شود و موی سر کم پشت می گردد. در چهل و دو سالگی، سرخرگ ها رفته رفته سفت شده و موی سر به سپیدی می گراید. در چهل و نه سالگی قاعدگی تمام می شود و زن دیگر قادر به زاییدن نیست.

در این استان، مردها طوری تصویر می شدند که در سراسر چرخه زندگی رشد ادامه می دادند. با پیر شدن جسمانی مرد، خردمندی و اخلاقیات و نیروی داور در او رشد می کرد. اما تصور نمی شد که زنان خردمند می شوند. زنان فقط پیر و از نظر جنسی بی ثمر می شدند. در نتیجه بی ارزش و خیر شده می شدند. متأسفانه، در امریکای قرن بیستم، قضاوت درباره زنان حداثه مساوی با گذشته ندارد. هنگامی که جرج بوش در دهه شصت سالگی عمده خردی ریاست جمهوری انتخاب شد، نه تنها فرزانه، بلکه پرتحرک و نیرومند محسوب می شد. از سوی دیگر، بانوی اول امریکا، باربارا بوش توسط رسانه های گروهی خپل و پیر قلمداد شد، و این قضاوت اهانت آمیز باعث مناظره دائمی شد. اندام او که نمونه خوبی از زیبایی پایه سن گذاشته بود، بیش از پیش روشن و قلب پر عطف و بی مورد توجه قرار گرفت.

من چرخه عمر زن را به دوازده دوره هفت ساله تقسیم کرده ام؛ در هر ربع عمر سه دوره هفت ساله - کودکی و نوجوانی، جوانی، میان سالی و سالمندی. سیزدهمین بخش چرخه عمر یعنی مرگ، شاید اقدام نهایی تجدید حیات و رشد باشد. سیزده مانند شماره ماه ها در سال قمری در اصل برای زنان عدد مقدسی بود. اما سرانجام عدد سیزده «نحس» تلقی شد زیرا زنانگی که چرخش نحس تاس جنسیت بود جایگزین چندان مطلوبی برای مردانگی تلقی نگردید.